



فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی

www.shahrivand-newspaper.ir

صاحب امتیاز: جمعیت هلال احمر

مدیر مسئول: عبدالرسول وصال

سر دبیر: سید افشین امیر شاهی

نشانی: تهران، فلکه دوم صادقیه

ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح

کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴

کدپستی: ۱۴۸۳۷۷۸۶۱۷

فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰

تلفن: ۰۷-۴۴۹۵۶۱۰۱

تلفن روابط عمومی: ۴۴۹۵۶۱۰۹

چاپ: جام جم

توزیع: شرکت دنیای اقتصاد تابان

تلفن: ۸۷۷۶۲۲۰۰

امور شهرستان ها: ۸۷۷۶۲۲۰۱

تلفن سازمان آگهی ها: ۴۴۹۵۶۲۰۰-۲

فکس: ۴۴۹۵۶۲۰۳

میتاق نامه اخلاقی حرفه ای روزنامه شهرود

رادر سایت یخاوناد

http://shahrivand-newspaper.ir/

Misagh_Name

telegram.me/Shahrivand_Newspaper

instagram.com/Shahrivand-Newspaper

این شرحی نهایت

بدانید که هر کس تقوای الهی در پیش گیرد، خداوند برای او راه خروجی از فتنه‌ها و نوری در تاریکی هافرا دهد.

امام‌علی(ع)

شیوه شوخان سنگ

آنکه رخ عاشقان خاک کف پای اوست
بارخ او جان ما، در دل ما جای اوست
او همه نورست، از آن شد همه چشمی برو
او همه جان‌ست، از آن در همه دل جای اوست
نیست به جز یاد او در دل ما جای گیر
در سر ما هم میاد هر چه نه سودای اوست
صورت دست از ترنج فرق نکرد آن که دید
یوسف ما را، که مصر پر ز زلیخای اوست
نیست دلی کو نخورد غوطه به دریای عشق
وین همه دریا که هست غرقه دریای اوست
خواهش ما زان جمال نیست به جز یک نظر
گر بکند بخت مسا، ورنکنند رای اوست
نیست سر و تن دریغ گوین، آن دست تیغ
کز تن ما دور به سر که نه در پای اوست
جز ورق ذکر او ورد نخواهیم ساخت
چون همه طومار ماسم و مسمای اوست
شیوه شوخان سنگ، عربده رنگ رنگ
غمزه چشمان تنگ، جمله تقاضای اوست
با تو ز یکتا شدن عمار نندارد، ولی
گیر که یکتا شود، کیست که همتای اوست
کام که جست اوحدی از رخ او دور بود
جامه این آرزو چون نه به بالای اوست
اوحدی مر اغایی

تقویم تاریخ

رخداد

۳ ضرب سکه در یک در ایران به‌عنوان واحد پول، با وزن و شکل و عیار مشخص و یکنواخت، به دستور داریوش هخامنشی (۴۸۸ پیش از میلاد) صرف‌نظر کردن دولت عثمانی از کلیه دعاوی خود در قفقاز
جنوبی، در پی شکست از ارتش روسیه (۱۸۲۹ میلادی)
۳ تصرف مکزیکوسیستی پایتخت مکزیک توسط واحدهای ارتش آمریکا به فرماندهی ژنرال وینفیلد اسکات (۱۸۴۷ میلادی)
۳ آغاز ریاست جمهوری تئودور روزولت در پی ترور ویلیام مک کینلی، رئیس جمهوری وقت آمریکا (۱۹۰۱ میلادی)

طلوع

۳ کنستانتین پنجم - ملقب به کنستانتین کوپرونیموس، امپراتور بیزانس از ۷۴۱ تا هنگام مرگش در ۷۷۵ میلادی، از مخالفان شمالی بازی در دین مسیحیت (۷۱۸ میلادی)
۳ آدریان ششم - از پاپ‌های کلیسای کاتولیک رم، زاده هلند کنونی (۱۴۵۹ میلادی)
۳ ویلیام هورارد تافت - بیست و هفتمین رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا از حزب جمهوری‌خواه و دهمین رئیس دیوانعالی عدالت (۱۸۵۷ میلادی)

غروب

۳ ویلیام مک کینلی - بیست و پنجمین رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا از حزب جمهوری‌خواه، قتل به دست یک آن‌شیست (۱۹۰۱ میلادی)
۳ گریس کلی - بازیگر زن آمریکایی، نقش آفرین در فیلم‌هایی چون ماجرای نیمروز، پنجره عقبی (۱۹۸۲ میلادی)
۳ رابرت بن وارن - داستان‌نگار آمریکایی، روزنامه‌نگار و نویسنده داستان معروف همه‌مردان پادشاه (۱۹۸۹ میلادی)
۳ میرزا نصرالله مشیرالدوله - نخستین رئیس الوزرا پس از استقرار مشروطیت در ایران (۱۲۸۶ خورشیدی)

قاب کوچک



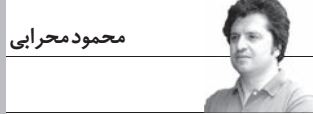
آوارگان و هیئت‌گلیایی از بالای یک بلندی، در خاک بنگلادش، خانه‌های خود را که آن سوی مرز در میان شله‌های آتش‌عدوات ارتش میانمار و بوداییان متعصب می‌سوزند نظاره می‌کنند. عکس: Getty Images

نسل به نسل دریغ از اصل!

جمشیدرضایی

هنگامی که به نوشتن این مطلب فکر می‌کردم و درست در لحظاتی که قصد نوشتنش را داشتم، کاملاً فی‌الباهه به این تیتیر رسیدم: «نسل به نسل دریغ از اصل!» راستش را بخواهید هفته پیش چند جوان حدوداً ۲۰ ساله از همسایه‌ها جمع شدند و آمدند از این حقیر سراپا تقصیر مشورت کاری بگیرند. تا اینجا کار هیچ عیبی ندارد و حتی رعایت اصل نسبتاً فراموش شده مشورت هم بسیار قابل تحسین و تقدیر است، اما وقتی راجع به کسبو کاری که می‌خواستند و می‌خواهند راه بیندازند - و البته که منصبی هم برای بنده در نظر گرفته بودند، در صورت توافق و موافقت حقیر - صحبت را آغاز کردند، بی‌اغراق دود از کلام بلند شدا با چهره‌ای عصبانی رو به آنها کرده و پرسیدم: «خر این دیگر چه جور کاری است؟ نه خدماتی است و نه چیزی را به فروش می‌رسانید؟ اما خیلی جدی پاسخ دادند: «اتفاقاً هم خدمات می‌دهیم و هم می‌فروشیم، تازه جنبه آموزشی هم دارد!» حالا بماند که چه نقشه‌ای برای کسبو کار در سر داشتند، اما بعد از یک‌ساعتی که سعی کردند من را هم به این باغ بهشتی که کشیده‌اند، رهنمون سازند، به پنهان‌های از آنها عذر خواستم و در برابر اصرارشان گفتم سعی می‌کنم تا چند روز آینده بررسی و جمع‌بندی کرده و خبر بدهم. ساعتی پیاده راه رفتم، بدون مقصدی مشخص و فقط فکر کردم که دنیای آینده چگونه جایی خواهد بود؟

نفس عمیق



محمود محرابی

انتخاب چشم‌انداز

او را به منزل خود دعوت کرد. در روز ملاقات حکیم که با لباس نازنجی رنگ به منزل مرد آمده بود، متوجه شد که باید لباسش را عوض و خرقه‌ای به رنگ سبز بر تن کند. حکیم چنین کرد و وقتی به محضر بیمار خود رسید از او درباره چشم‌دردها پرسید؟ مرد ثروتمند تشکر کرد و گفت: «ایله، اما این گران‌ترین مداوایی بود که تاکنون داشته‌ام.» حکیم با تعجب به بیمارش نگر بیست و گفت: «بالعکس، این از زان‌ترین نسخه‌ای است که تاکنون تجویز کرده‌ام. شما برای مداوای چشم‌دردها، تنها کافی بود چینیکی با شیشه سبز خریداری کنید و هیچ نیازی به این همه خرج اضافی نبود!» در نگاه نخست، ممکن است به حماقتی که مرد میلیونر انجام داد، بخندیم، اما واقعیت این است که ما بی‌آن که خود بدانیم رفتارهایی شبیه به همین کار را انجام می‌دهیم. اگر در طول شبانه‌روز لحظاتی کوتاه را به نگرش بر نحوه زندگی خود اختصاص دهیم، متوجه خواهیم شد که در بسیاری از موارد به جای انتخاب ساده‌ترین کار، مشکل‌ترین و فرساینده‌ترین روش را برای مسیر خود برگزیده‌ایم. البته دلایل این اتفاق نیز کاملاً ساده است. ما نمی‌خواهیم تغییر دیدگاه را از

از روزگار رفته

قاضی تاریخ‌نویس!

صادق رضازاده

داشت و مرتضی هم با میل فراوان گوش می‌داد. او را به دارالفنون فرستادند و تا گرفتن دیپلم در دارالفنون مشغول بود. بعد رفت دانشگاه. تنها بود و تمایل چندانی به پیدا کردن دوست نداشت جز همان چندتایی که روزهای اول با آنها آشنا شده بود. وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد. هر کس از جایی آمده بود و اکثرشان یا پسر وزیر بودند یا نوه فلان السلطنه. بیشتر وقتش را در کتابخانه نسخه‌های خطی و اسناد تاریخی می‌خواند، انگار حقوق را فقط برای امرار معاش در نظر داشت اما علاقه‌اش جایی دیگر بود. در تاریخ دنبال هر چیزی می‌گشت و از مردم می‌خواست بنویسند. در دادگستری شروع به کار کرد و مراجعاتش همه راضی بودند، می‌گفتند که در زمره خوشنام‌ترین قضات دادگستری است. اما او خودشان را در خانه حصر نمی‌کرد. ده‌ها سال جمعه‌ها به همراه دوستش علی‌اکبر بزرگ‌زاد، کوپمایی می‌کرد و می‌زدند به دل دشت و صحرا. اهل سفر هم بود. در طول سال دو سه باری را به خارج از ایران سفر می‌کرد.

۲۳ شهریور (۱۳۷۸)، سالروز درگذشت مرتضی راوندی، پژوهشگر تاریخ

از هر دری سخنی

خواستن و ننجیدن

شاگردی تلاش بسیار می‌کرد اما در طریق معرفت پیشرفت چندانی نداشت. او از شکست هراسان بود و می‌خواست به هر ترتیبی که شده است، به حقیقت دست یابد. استاد صبر کرد تا شاگرد مدتی تلاش کند، سرانجام هنگامی که خسته شد، به تفکر فرو رفت. قلیش را آماده ساخت و از استاد پرسید: «استاد من هر چه از دستم برمی‌آمده انجام دادم، پس چرا بالانمی‌روم. اگر عمر بگیرد و من هنوز به جایی نرسیده باشم، چه؟» استاد گفت: «عامل شکست، حرص بر پیروزی است. نباید به شکست بیندیشی. زیرا آنچه بدان آندیشیده‌ای، روزی رخ خواهد داد، اما همچنین هم نباید بیش از حد به پیروزی فکر کنی. نباید این خواست، تمام صفحه دل تو را فرا بگیرد، به‌طوری که جایی برای معرفت در آن نباشد. در طریق معرفت تنها باید کنجکاو باشی و صبر کنی، صبر کنی تا ببینی چه اتفاقی خواهد افتاد.»

عشق و طریقت

از استادی راجع به طریقت بی‌عشق پرسیدند او گفت: «آن که برای مرگش نعل عشق نکود، ایمانش به تعصب، وظیفه‌شناسی‌اش به بدخلقی، نظمش به فضل فروشی، قدرتش به خشونت، عدالتش به سخی و زندگی‌اش به بیماری ختم خواهد شد. همین و بیش از این نیش‌زاید شدن.»

ریزش موها

کسی که از ریزش موهای خود بسیار ناراحت بود، نزد حکیمی رفت. حکیم دواایی به او داد. او چند هفته مشغول مداوا کردن شد، عاقبت خسته شد و بغول دارو را نزد حکیم بازگرداند و گفت: «دیگر نمی‌خواهم درمان را ادامه دهم، دیگر برام بیست موهایم بریزد.» حکیم گفت: «کنون مشکل تو حل شده است.» مرد متعجب گفت: «ولی موهای من هنوز می‌ریزد.» حکیم گفت: «آری، ولی مشکل ریزش موی تو، ناراحتی از ریزش موی تو، راز طبیعت طیب سال‌ها بود شغلش را رها کرده و به گوشه‌نشینی پرداخته بود. چون از او علت را پرسیدند، گفت: «فهمیدم که هر فردی برای تعالی‌اش حق دارد که مریض شود و رنج بکشد. من در روان ناخودآگاه بیماران بسیاری این سرنوشت خود انتخاب کرده‌ام و تصمیم گرفتم پیشه خود را رها کرده، عاقبت کار به ایشان سپارم.»